جام جم

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه

۵

یکشنبه ۲۲ خرداد ۱۴۰۱ شماره ۶۲۳۴

نگاه

اوضاع آشفته آموزشگاه‌های بازیگری سر و سامان می‌گیرد؟

چشمان کاملا بسته ناظران

«از افراد با استعداد و علاقه‌مند به بازیگری در عرصه سینما به‌طور تضمینی و با عقد قرارداد محضری دعوت به عمل می‌آید، ستاره‌شدن را با ما تجربه کنید، کلید طلایی بازیگری دست ماست و...»

۹

ندادن جایزه به فیلم «طبل حلبی» به کارگردانی فولکر شلوندورف در جشنواره کن، مخالفت‌های زیادی را برانگیخت

نگاهی به رفتار سیاسی در تاریخ جشنواره فیلم کن

حرکت پیاده‌نظام هنر در شطرنج سیاست

۱۰

محمد شیری
بازیگر تلویزیون و سینما:

از بازیگری متنفر شده‌ام!

محمد شیری با نقش‌های متعددی از سالارخان «شب‌های برره» و ناظم مدرسه «دردسر والدین» تا فرخ سریال «چارخونه» و سرهنگ کلانتری «ساختمان پزشکان» خنده بر لب تماشاگران تلویزیون آورده و آنها را با خود همراه کرده است. او که آخرین بار تابستان ۱۳۹۸ با سریال «دوقلوها» روی آنتن تلویزیون بود و در این فاصله در دو سریال شبکه نمایش خانگی «خاتون» و «جیران» دیده شد...

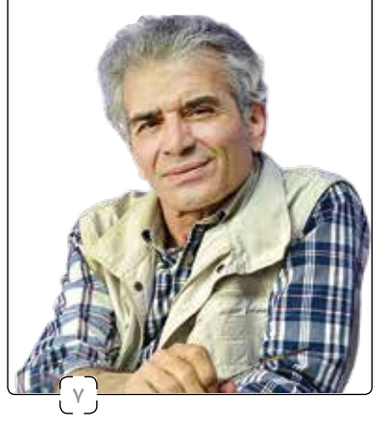

۷

تلنگر

۱۲۵ سال جنگ صلیبی برپرده سینما

سعید مستغاثی
مستندساز و کارشناس سینما

هنوز یک سال بیشتر از به‌وجود آمدن پدیده سینما در فرانسه و آمریکا نمی‌گذشت که تامس آلوا ادیسن در سال ۱۸۹۶، فیلم «رقص هفت زن محجبه» را در تمسخر حجاب اسلامی ساخت و سال بعد، هزاران مایل آن‌سوتر در فرانسه، ژرژ ملی‌یس (یکی از به‌اصطلاح پدران سینما) فیلم «عرب مسخره» را بر پرده سینما برد.

چند سال بعد هم در سال ۱۹۰۵، فلیکس مگیش فیلم دیگری در تمسخر و مضحکه مسلمانان به نام «آواز موذن» تولید کرد.

این‌چنین بود که از همان سال‌های آغازین سینما، تهاجم به اسلام و مسلمانان توسط این رسانه نوپا شکل گرفت، تهاجمی که در سال‌های بعد سینمای غرب، به‌خصوص در هالیوود به شیوه‌های سیستماتیک ادامه یافت و هر دوره‌ای به شکل و شمایلی ظاهر شد؛ دورانی که مسلمانان، افرادی پاپتی، خبیث و حتی شیطان‌صفت تصویر شدند؛ مثل دزد بغداد (رائول والش-۱۹۲۴و الکساندر کوردا-۱۹۴۰).

چنین کاراکتری را در بسیاری از آثار سینمای غرب، اعم از فیلم و کارتون طی این ۱۲۵ سال، به‌کرات مشاهده کرده‌ایم؛ از فیلم‌های سندباد گرفته تا علاءالدین و علی‌بابا، از فیلم شیخ (جورج ملفورد-۱۹۲۱) و پسر شیخ (جورج فیتس موریس-۱۹۲۶) تا مراکش (جوزف فن اشترنبرگ -۱۹۳۰) یا فیلم کازابلانکا و حتی کمدی گمشدگان حرم با شرکت باد ابوت و لو کاستلو تا فیلم شاهزاده پارس: ماسه‌های زمان (مایک نیوئل- ۲۰۱۰) که همیشه شرق اسلامی با شکل و شمایلی تاریک و با محلات فقیرنشین و سیاه نمایش داده می‌شدند.

گاهی فراتر از تمسخر و تحقیر، مسلمانان را افرادی خون‌ریز به تصویر کشیدند و خود را متمدن و انسان‌مدار، همچون فیلم «ال‌سید»! و گاهی مانند «لارنس عربستان» نشان دادند که فقط این هوش و درایت غربی‌های چشم‌آبی و موطلایی است که می‌تواند مسلمانان بدوی و وحشی را تربیت کند.

از اوایل دهه ۷۰ که رشد جنبش‌های اسلامی، منافع‌شان را بیشتر مورد تهدید قرار داد، با امثال فیلم «جن‌گیر» اسلام را آیینی شیطانی جلوه دادند و با پیروزی انقلاب اسلامی به همانندسازی اسلام و مسلمانان با هیولاها و سپس تروریست‌ها پرداختند تا جایی که حتی برژینسکی صهیونیست نیز هشدار داد این روند اسلام‌ستیزی غرب به یک هولوکاست دیگر خواهد انجامید و پروفسور جک شاهین (استاد دانشگاه ایلینویز آمریکا) اعلام کرد در طی ۳۰ سال و تماشای بیش از ۱۰۰۰ فیلم سینمای غرب درباره مسلمانان از دوران صامت تا به امروز، همواره پیروان دین اسلام را افرادی نشان داده‌اند که در ماهیت؛ خشن، خبیث، رذل و جنایتکار هستند.

و بالاخره امسال در یکی از استراتژیک‌ترین آثار سینمایی خود به نام «تلماسه» (که بیشترین جوایز اسکار سال را به خود اختصاص داد) به ساحت مقدس حضرت ولی‌عصر (عج) اسائه ادب کردند.

ساخت آثار موهن مانند «عنکبوت مقدس» تصادفی، بدون برنامه و باری به هر جهت نبوده و نیست. ماجرا بسیار عمیق‌تر از ساخت یکی دو فیلم است و به یک تاریخ گسترش می‌یابد. عناد سینمای غرب با اسلام از دشمنی تاریخی صاحبان آن سینما یعنی پدیدآورندگان غرب صلیبی/ صهیونی با دین خاتم پیامبران نشات می‌گیرد و اساسا محدود به سال و قرن یا فیلم‌های خاصی نیست. یک دشمنی دیرین و ایدئولوژیک که در تمام طول این تاریخ ۱۵ قرنی ادامه داشته و دارد.

مهدی بابایی، تهیه‌کننده از روایت یک مجموعه مستند می‌گوید

معلمان بی‌ادعا در «غوغای بی‌هیاهو»

مستد غوغای بی‌هیاهو با تکیه بر روایاتی ساده و پرامید تلاش می‌کند به مدرسه‌هایی در مناطق محروم سفر کند؛ مدارسی که با وجود مشکلات عدیده در روستا، حتی با تعداد کم دانش‌آموز و...

۸

ضرورت تولید نشاط اجتماعی در مجموعه‌های تلویزیونی در گفت‌وگو با سعید پروینی:

خلق یک شادی منطقی

۶

بررسی نقش زندگی‌های لوکس مجازی در ایجاد شکاف‌های اجتماعی

خوشبختی‌های مجازی

این روزها افراد بسیاری در فضای مجازی طرفدارانی برای خود کسب کرده‌اند. آن هم با نمایش‌های مختلف از زندگی‌های لاکچری و خاص؛ زندگی‌هایی که گاه برای کودک و نوجوانی حسرت می‌شود...

۱۲

عمق میدان

وارونگی؛ قضاوت علیه عدالت

بخش هفتم

جنایتکار در مقام شاکی نشسته است

میراحمد میراحسان
شاعر و پژوهشگر

در شماره‌های گذشته این سلسله مطالب، گفتیم در زمانه‌ای که هنوز انقلاب فرصت یک نفس برای عمل و اصلاح امور نیافته بود، جنایت‌های بزرگ علیه جمهوری اسلامی از سوی غرب هجوم آورد و چاکران داخلی و متحدان عملی دشمن با نقاب انقلابی‌گری علم تجزیه‌طلبی، خرابکاری و کودتا را برافراشتند و تحریک خط آشوب‌افکنی‌های گوناگون در همه جا از سوی گروهک‌های مارکسیست و ملحد در خدمت سیاست آمریکا بر جنایات‌شان ملحق شد و همه یکپارچه گام در راه براندازی نهادند. اینک ادامه این سلسله‌نوشتار و مروری بر بخش دیگری از جنایات این گروهک بی‌آبرو.

گروهک‌های ملحد درحالی‌که حتی ۵ درصد مردم را تشکیل نمی‌دادند، رای اکثریت قاطع ملت و قوانین رسمی رفراندم و مجلس قانونی ملت را زیر پا نهاده، مجالی حتی کمتر از یک خانه‌تکانی به انقلاب ندادند و در هرجا آتش خیانت و جنایت به‌پا داشتند و در این خیانت‌ها منافقان، منافقانه آتش‌بیار معرکه شدند و نفوذی‌هایشان در نهادهای اطلاعاتی و امنیتی و قوای اصلی و ادارات نقش مخرب‌شان را پیش بردند و به اوراق خیانت‌شان افزودند و بالاخره در فرصت مناسب، جنایت و جرم بزرگ و کشتار بی‌گناهان و نقشه براندازی را با کمک فکری و لجستیکی سیا و موساد و فرانسه که در سفر رجوی به پاریس آخرین توافقات عملیاتی تحقق یافت، آغاز شد. در وسط جنگ با صدام که شرق‌وغرب به او کمک می‌کردند، تروریسم منافقین و خیانت لیبرالیسم غربگرا و کسانی چون بنی‌صدر کار جمهوری اسلامی را تمام‌شده قلمداد می‌کرد و وعده یک‌ماهه برای سرنگونی می‌داد!

اسناد چه می‌گویند؟

روند جنایت‌بار تروریسم آغاز شده در سال ۶۰، چنان خون‌آلود و بی‌رحمانه و فاشیستی و جنون‌آمیز است که به‌تنهایی در اثبات آغازگری جرم و جنایت منافقین و موقعیت مظلوم و دفاعی یک انقلاب همگانی و مقاومتش برای حفظ و بقای امانت ملت، یعنی حکومت برحق جمهوری اسلامی کفایت می‌کند. اسناد این جنایت از خود سازمان کشف و نشر یافت و بر هیچ‌کس درندگی سازمان منافق پوشیده نیست. از این پس لقب منافقین بی‌وجه است. آنان نقاب از چهره برگرفتند و به‌زودی داعیه مسلمانی دروغین‌شان هم بیهوده‌تر گشت و با سقوط به همدستی با صدام و شرکت در کشتار قومی و مذهبی و همدستی با موساد و سیا و رفتارهای فرقه‌ای و اصالت‌دادن به جنایت و فساد بدون هیچ مجوز عقیدتی و نقش مزدوری به فرقه بی‌همه چیز بدل شدند. هزاران نمونه جنایت و جرم فرقه رجوی در فاز نظامی وجود دارد و بعد هم نوبت به اسناد جاسوسی در جنگ عراق با ایران به سود صدام و سست‌کردن انگیزه هواداران و مردم برای دفاع از نوامیس وطن و مزدوری و همدستی با صدام، دشمن خونریز و مهاجم نیابتی قدرت ظالم جهانی در جنگ با انقلاب اسلامی و ملت ایران می‌رسد. من پاره‌ای از جنایات مسلم این فرقه و آغازگری کشتار جمعی مردم ایران را بازگویی می‌کنم که مستوجب شدیدترین مجازات در هر دادگاه عادلانه است و نه دادگاه شیاطین و گرگان و ستمگران جانی بین‌المللی ! من یک کلمه از این دعاوی را از خود نمی‌گویم و همه متکی به اسناد قطعی داخلی و منتشرشده خود این فرقه و سازمان جنایت است. در اینجا تنها ناقل سندهای جنایت هستم. مضحکه دادگاه استکهلم که در حقیقت کارگزار جنایتکاران جهانی و آمریکا، اروپا، اسرائیل و ... در جنگ با جمهوری اسلامی است، آن است که سازمان ظالم بزرگ‌ترین خیانت و خدمت به وقیح‌ترین قدرت جهانی جنایات علنی علیه بشریت را در نیم‌قرن اخیر که باید محاکمه شود، یعنی منافقین مزدور این قدرت‌ها را به مظلوم و شاکی و میان‌دار محاکمه جمهوری اسلامی و کشور و حکومت ترورشده و سوزانده‌شده به‌وسیله این قدرت‌ها و نوکر درنده‌شان بدل نموده و جای ظالم و مظلوم و جنایتکار مهاجم را با دفاع‌کننده از حق حیات آزاد و مستقل و انسانیش عوض کرده است.

فرقه رجوی اعتراف می‌کند در پی همه خیانت‌ها و جنایات از سال ۶۰ به بعد، در فاز ارتقایافته درندگی، ۱۲۰هزار نفر را ترور کرده است و این گزارش‌های علنی سازمان را اسناد وزارت خارجه آمریکا که طی بیانیه رسمی در سال ۱۹۹۴ میلادی منتشر شد، تایید می‌کند.

در هر نقطه جهان، از آمریکا و انگلیس تا فرانسه و آلمان تا کوچک‌ترین کشور دنیا، حتی یک جنایت مثل انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و یک قلم از کشتار این انبوه مردم و انقلابیون جانباز و رهبران‌شان کافی بود به محاکمه و اعدام کل قاتلان سازمان با اسم جعلی مجاهدین منجر شود اما همه کشورهای غربی برعکس، قضاوتی معکوس کردند. درحالی‌که ارباب فرقه رجوی، آمریکا، رسما در بیانیه‌ای از انفجارهای تروریستی هفتم و هشتم تیرماه ۱۳۶۰ و آمادگی این فرقه برای خشونت وصف‌ناپذیر در عمل، سخن به میان آورده و جمعا آمار و رقم ۱۱۱هزار و اندی قربانی ترورهای فرقه رجوی را ارائه داده است: بیانیه رسمی تأیید جنایات یک‌ساله تروریست‌های رجوی در سال ۶۰، به‌وسیله وزارت خارجه آمریکا در سال ۱۹۹۴ میلادی صادر شد و به اعلام و اعتراف خود سازمان به ارتکاب جنایت کشتار رهبران و وکلا و وزرای دولت انقلابی که با میلیون‌ها رای، اکثریت قاطع انتخاب‌شده بودند در هفتم تیرماه و هشتم شهریور سال ۶۰ و ترور ده‌ها هزار نفر مردم کوچه و بازار مدافع انقلاب، تصریح می‌نماید: «مجاهدین موجی از بمب‌گذاری و ترور را علیه رژیم خمینی آغاز نمودند که تا امروز نیز طنین‌انداز است. شاخص‌ترین حمله در تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۸۱ (۷ تیرماه ۱۳۶۰) رخ‌داد و این زمانی بود که دو بمب، مرکز حزب جمهوری اسلامی را از هم متلاشی کرد و به کشته شدن ۷۲ نفر از رهبران ارشد رژیم منجر گشت، من جمله رهبر حزب جمهوری اسلامی، آیت‌ا... بهشتی، چهار وزیر، ۴۷ نماینده مجلس و... طبق گزارش‌ها در تاریخ ۳۰ آگوست (۸ شهریور) مجاهدین در جلسه شورای امنیت ملی رژیم بمب‌گذاری نمودند که به کشته شدن رئیس‌جمهور جدید محمدعلی رجایی و نخست‌وزیر جدید وی محمدجواد باهنر منجر گردید. بنا به آنچه از آمار نشریات این گروه تروریستی برمی‌آید، ده‌ها هزار نفر توسط تیم‌های ترور مجاهدین خلق به شهادت رسیده یا مجروح و زخمی شده‌اند.»

یکی از اعضای سابق مجاهدین خلق براساس آمار نشریات این سازمان، تعداد قربانیان ترورهای مجاهدین خلق را حدود ۱۲۰هزار نفر تخمین زده و نوشته: «... طبق آمار نشریه مجاهدین خلق ایران و کتاب جمع‌بندی مقاومت یک‌ساله مجاهدین خلق و همچنین نشریاتی که تحت عنوان انجمن دانشجویان خارج کشور که برای مجاهدین چاپ می‌شد، آماری هست که من همه اینها را جمع کردم. آمارش این است: (۱۱۶۶۳۰) نفر از نیروهای طرفدار رژیم خمینی به دست رزمندگان ... آقای مسعود رجوی ... از سال ۱۳۶۰ تا این تاریخ به قول خودشان اعدام انقلابی شدند. آمار عملیات تخریب و انفجار در اماکن دولتی و خصوصی در سطح ایران طبق نشریه مجاهد و رسانه‌های خبری مجاهدین ۳۷۴۰ عملیات است».

برش

یک انقلاب مظلوم

من نمی‌دانم حمید نوری چه کرد و چه نکرد اما می‌دانم انقلاب اسلامی، شریف‌ترین و مظلوم‌ترین کشور قرن اخیر است که یک جهان کفر ستمگر و متجاوز سرش ریختند تا مجددا برده‌اش کنند و درنده‌ترین مزدورشان همین فرقه رجوی است که در مقام مامور شیطان بزرگ، این اداره‌کننده پشت پرده دادگاه استکهلم، پیشاهنگ اجرای گیم آمریکا و اسرائیل و قدرت‌های جائر علیه انقلاب ایران، این وجود نورانی و عدالتخواه است. دادگاه استکهلم در اصل محاکمه این انقلاب دینی و دادگرانه، شجاع و ظلم‌دیده است و سرآغازی برای سریال نمایش‌های جنایی و فیلم در زیرژانر آثار دادگاهی که البته انقلاب مظلوم را در مقام جنایتکار ظالم و جنایتکاران ظالم را در مقام شاکی، رئیس دادگاه، دادستان در جایگاه داور و حکم‌دهنده می‌نشاند!